

«راه‌های نفوذ شیطان بر انسان از منظر قرآن»

اعظم قاسمی^۱

چکیده

شیطان موجودی پلید است و برای دشمنی و گمراهی انسان سوگند یاد کرده است. دشمنی او از همان ابتدای آفرینش انسان شروع شده و تا قیامت ادامه دارد. این دشمن دیرینه انسان همیشه در کمین است تا از کوچک‌ترین فرصت استفاده کند تا انسان را فریب دهد و بر او مسلط شود. به همین خاطر لازم است انسان راه‌های تسلط شیطان را بشناسد تا بتواند به یاری و لطف خداوند متعال از مکر و حيله‌های او در امان بماند. محقق این تحقیق را با روش توصیفی و با هدف «شناخت راه‌های تسلط شیطان بر انسان در قرآن» انجام داده است. شیوه جمع‌آوری مطالب در آن به صورت کتابخانه‌ای می‌باشد. محقق در این تحقیق ابتدا مفهوم‌شناسی را بیان و در ادامه به راه‌های تسلط شیطان بر انسان از منظر قرآن پرداخته که به این نتایج دست یافته است. راه‌های تسلط شیطان بر انسان از منظر قرآن عبارتند از: ۱- آرزوهای طولانی، ۲- تزیین و زیبا نمایاندن گناهان، ۳- غفلت و فراموشی از یاد خدا، ۴- غذای حرام، ۵- مجاری ادراکی و گرایشی، ۶- محور انگیزه، ۷- عدم توکل.

واژگان کلیدی: شیطان، راه‌های تسلط، انسان.

۱. طلبه سطح دوم، مدرسه علمیه نجمه خاتون (سلام‌الله‌علیها)، صفی‌آباد.

مقدمه

انسان برای مدت مشخصی در این دنیا زندگی می‌کند. او برای استفاده بهتر از نعمت‌های فراوانی که خداوند در اختیارش قرار داده باید با استفاده از عقل و به‌کارگیری اراده و اختیار به راه مستقیمی که از طریق آیات قرآن و رهنمودهای ائمه معصوم(ع)، برایش معرفی شده است رهسپار شود و وظایف خود را به نحو احسن انجام دهد تا بتواند به سعادت دنیوی و اخروی برسد. اما متأسفانه گاهی انسان در این مسیر دچار وسوسه‌های شیطانی می‌شود چراکه شیطان از هر طریقی سعی می‌کند در نیات و اعمال انسان نفوذ کند و او را به انحراف و بیراهه بکشانند.

در این زمینه کتابی به‌عنوان «راه‌های نفوذ شیطان برای فریب انسان» از آقای احسان عبدالحمید بلالی چاپ شده است که نویسنده در فصل پنجم این کتاب به راه‌های نفوذ شیطان در انسان پرداخته است. کتاب دیگری نوشته ثریا محمدنیاکان به عنوان «راه‌های نفوذ شیطان در انسان از دیدگاه قرآن و راه‌های مقابله با آن» وجود دارد که نویسنده در آن به راه‌های نفوذ شیطان از دیدگاه قرآن پرداخته است. در زمینه راه‌های نفوذ شیطان در انسان مقالاتی نوشته شده است؛ از جمله «راه‌های نفوذ شیطان» در جامعه از آقای محمد قدیردانش که نویسنده در این مقاله راه‌های نفوذ شیطان در جامعه مؤمنان را بیان نموده است و همچنین مقاله «زمینه‌های نفوذ شیطان» قسمت سوم از خانم زهرا کشمیری که نویسنده در این قسمت به راه‌های نفوذ شیطان در بُعد گرایش و بینش اشاره کرده است.

با توجه به این‌که شیطان سوگند یاد کرده که انسان را گمراه کند و لحظه‌ای در این کار کوتاهی نمی‌کند. محقق درصدد این است که تا راه‌های نفوذ شیطان را بررسی نماید تا افراد با این راه‌ها آشنا شوند و از نفوذ شیطان درون خودشان جلوگیری کنند. حال سؤال اساسی که در این جا مطرح می‌شود این است که راه‌های نفوذ شیطان از دیدگاه قرآن چیست؟

مفهوم‌شناسی

محقق در این قسمت قصد دارد معنای لغوی و اصطلاحی کلید واژه‌ها را بیان نماید؛

شیطان

از ماده «شطن» است و «شاطن» یعنی موجود خبیث و پست، متمرّد و سرکش، طاغی و نافرمان، اعم از انسان، جنّ یا جنبنندگان دیگر، حتی به معنی روح شریر و دور از حق نیز آمده است که در حقیقت قدر مشترک همه این معانی یکی است. بنابراین شیطان اسم عام (اسم جنس) است که به موجود مودی و منحرف‌کننده (خواه انسان یا

غیرانسان) اطلاق می‌شود. چنان‌که بر موجود سرکش و متمرّد معروف یعنی ابلیس که از سجده بر حضرت آدم (علیه‌السلام) سرباز زد و نیز بر فرزندان او که از جنس جن می‌باشند، شیطان گفته می‌شود.^۱

انسان

انسان اصلش از «إنسیان» است؛ زیرا لغت‌شناسان عرب، مصغّر آن را «أنیسیان» دانسته‌اند. «یای» آخر در تصغیر بر وجود آن در اصل، دلالت می‌کند و به سبب کثرت استعمال حذف شده است. در وجه تسمیه انسان به این نام گفته شده است: با توجه به این‌که انسان اصلش «انسیان» بوده و آن هم «نسیان» است و انسان چون با خدای خود عهدی بست و فراموش کرد، بدین نام نامیده شد یا بدان جهت انسان نامیده شد که می‌تواند بین خود و سایر انس و الفت برقرار کند.^۲

اصطلاحات انسان، بشر و آدم هر سه تقریباً بر افراد انسان صدق می‌کند لکن به لحاظی باهم فرق دارند، در بین اهل لغت، کلمه انسان و بشر علم برای نوع انسان به کار رفته است، لکن اکثر اهل لغت واژه «آدم» علم برای شخص گرفته‌اند. برخی هم آن را مثل انسان و بشر برای «نوع» به کار برده‌اند. در قرآن هر جا کلمه بشر به کار رفته، منظور جسم ظاهری، پوست و بدن انسان است، و هر کجا کلمه «انسان» به کار رفته است مراد باطن، کمالات و استعدادهای انسان است.^۳

راه‌های نفوذ شیطان در انسان از منظر قرآن

شیطان از راه‌های مختلفی بر انسان نفوذ دارد، محقق در این قسمت قصد دارد تا این راه‌ها را بیان نماید:

۱- آرزوهای طولانی

خداوند در آیات ۱۱۸ تا ۱۲۰ سوره نساء می‌فرماید: «وَقَالَ لَاتَّخِذْنَ مِنْ عِبَادِكَ نَصِيبًا مَفْرُوضًا؛ با کمال تأکید گفت که من حتماً از بندگان تو سهم معینی را خواهم گرفت.» این برای من واجب است. حتماً این کار را خواهم کرد و بخشی از بندگان مال من هستند. گمراهشان می‌کنم و تابع من خواهند بود. «وَلَا ظَنَنْهُمْ»؛ این عنوان کلی کارهای شیطان است. می‌گوید: گمراهشان می‌کنم تا از رحمت تو محروم شوند. سپس بعضی از چیزهایی را که در راه گمراه کردن انسان انجام خواهد داد، بیان کرد؛ «وَلَا مَنِّينَهُمْ»؛ آرزوهای کاذب برایشان ایجاد می‌کنم. چیزهایی را به آنها

۱- مکرم، لسان العرب، ج ۱، ص ۲۳۱-۲۳۲؛ طباطبایی، المیزان فی تفسیر القرآن، ج ۲، ص ۴۱۲.

۲- مکرم، لسان العرب، ج ۱۱، ص ۲۳۱-۲۳۲.

۳- قرشی، قاموس قرآن، ج ۱، ص ۳۸.

القا می‌کنم که دنبال آرزوهای غیرواقعی بروند و برای رسیدن به آن آرزوها حاضر باشند، هر کاری انجام دهند. در این صورت راه باز می‌شود که آن‌ها را به گناه دعوت کنم و بگویم اگر می‌خواهید به آن آرزوهایتان برسید باید این کارها را بکنید. آرزوهای دور و درازی برای آن‌ها مطرح می‌کنم تا زمینه برای سایر کارها فراهم شود.^۱

هم‌چنین یکی دیگر از شگردهای شیطان این است که انسان را به آرزوهای طولانی و غیرواقعی وادار می‌کند و نتیجه این چنین آرزوهایی در انسان، غفلت از خدا و علاقه شدید به دنیا و دلبستگی به مظاهر آن است. رسول خدا(صلی الله علیه و آله و سلم) فرمود: من از دو چیز برای شما بیشتر می‌ترسم، پیروی از هوای نفس و آرزوهای طولانی؛ زیرا پیروی از هوای نفس موجب جدایی از حق می‌شود و آرزوهای طولانی موجب فراموشی آخرت.^۲

علاوه بر این، شیطان برای گمراه کردن انسان او را از عبادت غافل کرده و به آرزوهای پوچ و بیهوده متوجه می‌سازد. در حال این آرزوها می‌تواند حب جاه و مقام باشد یا دنیادوستی باشد یا امیال شهوانی دیگر که انسان به سبب آن‌ها به ضلالت کشانده می‌شود، چنان‌که خود گفته است: من انسان‌ها را از راه سرگرم کردنشان به پرستش غیر خدا و ارتکاب گناهان گمراه خواهم کرد و آنان را با اشتغال به آرزوهایی که از اشتغال به واجبات زندگی‌شان باز بدارد فریب می‌دهم، تا آن‌چه را که برایشان مهم و حیاتی است به خاطر آن‌چه موهوم و خالی از واقعیت است رها کنند.^۳

آرزو برخلاف امید به چیزهایی گفته می‌شود که ابزار و توانایی تحقق آن نیست، در حالی امید نسبت به چیزهایی است که نه‌تنها شخص مستحق آن است، بلکه ابزارهای دسترسی و دستیابی آن را نیز دارا است. یکی از عواملی که موجب می‌شود تا ابلیس بر جان و جامعه سلطه یابد، آرزوهای بی‌پایان بشر است. شیطان با سوءاستفاده از این آرزوها شخص را به سمت و سویی سوق می‌دهد تا بر وی مسلط شود و نه‌تنها شخص به آرزویش نمی‌رسد زیرا مستحق آن نبوده و ابزارش را نیز ندارد، بلکه حتی چیزهایی که امید بدان داشته نیز از وی سلب می‌شود و گرفتار نومیدی خواهد شد. به هر حال، ابلیس برای این‌که بتواند ولایت خویش را ایجاد کند یا توسعه دهد، از طریق آرزوهای بی‌پایان بشر بر وی مسلط می‌شود.^۴

۱- سخنرانی آیت‌الله مصباح یزدی در دفتر مقام معظم رهبری، تاریخ انتشار ۱۳۹۷/۳/۲۱، تاریخ بازبینی ۱۴۰۳/۷/۲۹، پایگاه اطلاع‌رسانی حضرت آیت‌الله یزدی.

۲- خبرگزاری جمهوری اسلامی، شیطان از چه راهی بر شما نفوذ دارد؟ تاریخ انتشار ۱۳ فروردین ۱۴۰۰، تاریخ بازبینی ۱۴۰۳/۷/۲۹، سایت ima.ir.

۳- طباطبایی، المیزان فی تفسیر القرآن، ج ۵، ص ۱۳۷.

۴- کیهان، «سلطه شیطان بر انسان و آثار و موانع آن»، تاریخ انتشار ۱۷ دی ۱۳۹۹، تاریخ بازبینی ۲۳ آذر ۱۴۰۳، kayhan.ir.

۲- تزئین و زیبا نمایاندن گناهان

در قرآن مجید آمده: «قَالَ رَبُّ بِمَا أَغْوَيْتَنِي لَأُزَيِّنَنَّ لَهُمْ فِي الْأَرْضِ؛ گفت: پروردگارا به سبب این که مرا گمراه نمودی، من هم یقیناً(همه کارهای زشت را) در زمین برای آنان می‌آرایم(تا ارتکاب زشتی‌ها برای آنان آسان شود) و مسلماً همه را گمراه می‌کنم.»^۱

شیطان همان گونه که خود گفته از این خدعه استفاده می‌کند تا انسان‌ها را گمراه سازد، بی‌شک اگر انسان بداند در پس این ظاهر زیبای گناه چه باطن کثیفی نهفته است دست به چنین نجاستی نخواهد زد، چراکه طبع هر موجودی مقتضی این است که وقتی از کثیفی و نجاست چیزی و یا ضرر رساندن آن چیز به نفسش مطلع می‌شود به هیچ وجه به سمت و سوی آن چیز نمی‌رود چه برسد که بخواهد از آن استفاده کند.

قطعاً اگر کثیفی گناه این قدر مثل محسوسات برای ما قابل احساس بود هیچ وقت گناه نمی‌کردیم که این خود مرتبه‌ای برای اولیاءالله است که کثیفی گناه را درک می‌کنند.^۲

در این جا ابلیس نیت باطنی خود را آشکار ساخت هرچند چیزی از خدا پنهان نبود «قَالَ رَبُّ بِمَا أَغْوَيْتَنِي لَأُزَيِّنَنَّ لَهُمْ فِي الْأَرْضِ وَلَأُعْزِيزَهُمْ أَجْمَعِينَ؛ عرض کرد: پروردگارا! به خاطر این که مرا گمراه ساختی(و این انسان زمینه بدبختی مرا فراهم ساخت) من نعمت‌های مادی روی زمین را در نظر آن‌ها زینت می‌دهم و انسان‌ها را به آن مشغول می‌دارم و سرانجام همه را گمراه خواهم ساخت.»

اما او به خوبی می‌دانست که وسوسه‌هایش در دل «بندگان مخلص خدا» هرگز اثر نخواهد داشت و آدم‌هایش آن‌ها را به خود مشغول نخواهد کرد، چراکه بندگان خالص و مخلص آن چنان نیرومندند که زنجیرهای اسارت شیطان را از هم می‌گسلند، لذا بلافاصله برای سخن خود استثنایی قائل شده گفت: «إِلَّا عِبَادَكَ مِنْهُمْ الْمُخْلِصِينَ؛ مگر آن بندگان خالص شده تو».

بدیهی است: خدا هرگز شیطان را گمراه نساخته بود بلکه این نسبت شیطنت‌آمیز بود که از ابلیس صادر شد، برای این که خود را به اصطلاح تبرئه کند و توجیهی برای اغواگری خود ترتیب دهد و این رسم همه ابلیس‌ها و شیاطین است که:

اولاً-گناهان خویش را به گردن دیگران می‌افکنند.

۱-حجر: ۳۹.

۲-قنبریان، شیطان در اسلام، صص ۷۵-۷۶.

اراده، عزم، اخلاص و مانند آن راه یابد یا شهوت و غضب را بر عقل عملی و فطری که خالی از شوائب اوهام بوده و از منابع اثباتی دین است.^۱ و بر عقلی که امام صادق (علیه السلام) فرمود: «مَا الْعَقْلُ قَالَ مَا عُبِدَ بِهِ الرَّحْمَنُ وَ اكْتَسَبَ بِهِ الْجَنَانُ؛ عقل آن چیزی است که به وسیله آن خداوند عبادت و بهشت کسب می‌شود.»^۲ حاکم گرداند، با توجه به این که شیطان در محور انگیزه نفوذ می‌کند تا انسان را به بیراهه بکشاند، رسالت تهذیب نفس و تزکیه روح در این صحنه روشن می‌گردد، زیرا تهذیب نفس زمینه دفع نفوذ شیطان را در انسان فراهم می‌کند.^۳

بنابراین یکی از راه‌های مقابله با نفوذ شیطان شناخت، صحیح حق و باطل است و اگر انسان بخواهد این بصیرت را بیابد که حق را از باطل تمیز دهد راهی جز متقی شدن ندارد، چنان که خداوند متعال در قرآن کریم می‌فرماید: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِن تَتَّقُوا اللَّهَ يَجْعَلْ لَكُمْ فُرْقَانًا و... اگر از خداوند پروا کنید، برای شما نیروی تشخیص حق از باطل قرار می‌دهد.»^۴

۷- عدم توکل

توکل به معنای اعتماد و تکیه بر خداست و این که انسان بر خود و توانمندی‌ها یا دیگران اعتمادی نداشته باشد. هرکس در کاری که خبره نیست یا توان آن را ندارد وکیل می‌گیرد، انسان در امور و شئون خود نه خبره است و نه توانایی انجام آن را دارد، لذا باید به یک منبع خبیر و قادر تکیه کند و این همان توکل بر خداست.^۵

«وَمَنْ يَتَوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ فَهُوَ حَسْبُهُ؛ و به هرکس که توکل داده شده کفایت الهی نصیب او شود چون خدا فرموده هرکس بر خدا توکل کند خدا او را بس است.»^۶

حسن بن جهم می‌گوید: از حضرت رضا سؤال کردم که اندازه توکل چیست؟ ایشان پاسخ دادند که با توجه به خدا از احدی نترسی.^۷

پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) از جبرئیل سؤال کرد توکل بر خدا یعنی چه و چگونه است؟ جبرئیل پاسخ داد: «توکل یعنی یقین داشتن به این که مخلوق نه قدرت زیان رساندن و نه قدرت سوددهی دارد، نه چیزی می‌دهد و نه

۱- انصاری، فوائد الاصول، ص ۳۳.

۲- کلینی، الکافی، ج ۱، ص ۱۱.

۳- جوادی آملی، انتظار بشر از دین، ص ۱۰۳.

۴- انفال: ۲۹؛ قنبریان، شیطان در اسلام، ص ۸۲.

۵- جوادی آملی، حماسه و عرفان، ص ۲۴۹.

۶- طلاق: ۳.

۷- شیخ صدوق، الامالی، ص ۲۴۱.

از چیزی جلوگیری می‌کند و به طور کلی از مخلوق مأیوس شده و هیچ امیدی به آن‌ها نداشته باشی و هنگامی که انسان چنین حالتی پیدا کند قهراً تمام کارهایش برای خدا می‌شود و هیچ عملی را برای غیر او انجام نمی‌دهد و به غیر از او امیدوار نمی‌شود و از غیر او نمی‌ترسد و چشم طمع از غیر او ندارد.^۱

علامه طباطبایی ذیل آیه: «إِنَّهُ لَيْسَ لَهُ سُلْطَانُ عَلَى الَّذِينَ آمَنُوا وَعَلَى رَبِّهِمْ يَتَوَكَّلُونَ»^۲ می‌فرماید: این جمله در مقام تعلیل امری است که در آیه قبل از آن راجع به استعاده آمده بود: «فَإِذَا قَرَأْتَ الْقُرْآنَ فَاسْتَعِذْ بِاللَّهِ مِنَ الشَّيْطَانِ الرَّجِيمِ»^۳ و معنای مجموع آن این می‌شود که هروقت قرآن می‌خوانی پناه ببر به خدا از شر شیطان زیرا تنها کسانی از شر او ایمن هستند که ایمان آورده و بر خدا توکل کرده باشند، پس نقل می‌کند از این آیه دو نکته استفاده می‌شود: نکته اول این که استعاده به خدا، توکل بر خداست زیرا خدای سبحان در تعلیل لزوم استعاده به جای استعاده، توکل را آورده است و سلطنت شیطان را از متوکلین نفی کرده است.

نکته دوم این که ایمان و توکل دو ملاک صدق عبودیت‌اند که ادعای عبودیت با نداشتن آن دو ادعایی کذب است، آیه: «إِنَّ عِبَادِي لَيْسَ لَكَ عَلَيْهِمْ سُلْطَانٌ إِلَّا مَنْ اتَّبَعَكَ مِنَ الْغَاوِينَ»^۴ که حکایت خطاب پروردگار به ابلیس است نیز همین معنا را می‌رساند، یعنی سلطنت شیطان را از بندگان خود نفی نموده است و چیزی که هست در آیه مورد بحث بجای بندگان افراد با ایمان و متوکل را آورده است.

بنابراین یکی از دیگر راه‌های نفوذ شیطان و تسلط او بر انسان که منجر به زینت دادن اعمال زشت برای انسان می‌شود عدم توکل و ایمان بر خداوند خواهد بود و خداوند خطاب به انسان می‌فرماید: اگر می‌خواهید گرفتار وساوس و تزیین‌های شیطان نشوید بایستی بر خدا ایمان داشته و بر او توکل کنید.^۵

نتیجه‌گیری

عنوان این مقاله «راه‌های نفوذ شیطان بر انسان از منظر قرآن» است. از ابتدای خلقت انسان تاکنون تلاش شیطان همواره بر این بود تا انسان را از راه‌های مختلفی وسوسه نماید و بر او تسلط داشته باشد تا او را از مسیر عبودیت و

۱-مجلسی، بحارالانوار، ج ۲، ص ۱۴۴.

۲-نحل: ۹۹.

۳-نمل: ۹۸.

۴-حجر: ۴۲.

۵-قنبریان، شیطان در قرآن، ص ۸۴.

بندگی خداوند خارج سازد. خداوند متعال در آیات قرآن انسان را از فریب‌ها و دشمنی‌های شیطان آگاه کرده و او را آگاه کرده است تا دچار انحراف و گمراهی نشود.

محقق در این تحقیق به نتایج زیر دست یافته است:

راه‌های تسلط شیطان بر انسان از منظر قرآن عبارتند از:

۱- آرزوهای طولانی: شیطان انسان را تشویق می‌کند که برای رسیدن به آرزوهای کاذب و طولانی دست به هر کاری بزند حتی انجام دادن گناه، با این کار شیطان خودش به هدفش که گمراه کردن انسان است می‌رسد اما انسان به ضلالت کشیده می‌شود.

۲- تزیین و زیبا نمایاندن گناهان: شیطان با زیبا جلوه دادن گناه و مخفی کردن باطن پلید و کثیف گناه، انسان را فریب می‌دهد و چشم او را بر حقیقت گناه می‌پوشاند.

۳- غفلت و فراموشی از یاد خدا: یکی از توطئه‌های شیطان ایجاد غفلت از یاد خداست چراکه وقتی انسان از ذکر خدا غافل می‌شود به گناه و تباهی می‌افتد و در دام شیطان گرفتار می‌شود.

۴- غذای حرام: انسان باید شکرگزار نعمت‌های الهی باشد و مراقب باشد تا شیطان او را به خوردن غذاها و نوشیدنی‌های حرام مجبور نکند که منجر به انجام گناه و فساد می‌شود.

۵- مجاری ادراکی و گرایشی: شیطان انسان را تشویق می‌کند تا چشم طمع به داشته‌های دیگران داشته باشد و با پرستش غیر خدا و ارتکاب به گناه همراه کند.

۶- محور انگیزه: شیطان سعی می‌کند تا در انگیزه انسان مانند نیت، اراده و نفوذ کند تا بتواند بهتر او را فریب دهد.

۷- توکل بر خدا: یکی دیگر از راه‌های نفوذ شیطان بر انسان، عدم توکل انسان به خداوند است. در صورتی که خداوند همیشه به بنده‌اش تأکید می‌کند که به خداوند توکل داشته باشد و مراقب وسوسه‌های شیطانی باشند.

فهرست منابع

*قرآن کریم

*نهج البلاغه

۱. انصاری، مرتضی، فوائد الاصول، چاپ اول، قم: مجمع الفکر الاسلامی، ۱۴۱۹ق.
۲. جوادی آملی عبدالله، قرآن در قرآن، محرابی، محمد، قم: مرکز نشر اسراء، ۱۳۹۷.
۳.، انتظار بشر از دین، چاپ دهم، قم: مرکز نشر اسراء، ۱۳۹۸.
۴.، تفسیر تسنیم، قم: مرکز نشر اسراء، ۱۴۰۱.
۵.، حماسه و عرفان، چاپ چهاردهم، قم: مرکز نشر اسراء، ۱۳۹۴.
۶. حر عاملی، محمد بن حسن، وسائل الشیعه، قم: موسسه آل البيت علیه السلام، الاحیاء التراث، بی تا.
۷. شیخ صدوق، محمد بن علی، الامالی، چاپ اول، قم: موسسه البعثه، ۱۴۱۷ق.
۸. طباطبایی، محمدحسین، المیزان فی تفسیر القرآن، موسوی همدانی، محمدباقر، قم: جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، ۱۳۷۸.
۹. قرائتی، محسن، تفسیر نور، پاچ بیست و سوم، بی جا: موسسه فرهنگی درس‌هایی از قرآن، ۱۳۹۱..
۱۰. قرشی، سید علی اکبر، قاموس قرآن، تهران: دارالکتب اسلامیة.
۱۱. قرطبی، شمس الدین، تفسیر القرطبی، بیروت: الر الاحیاء التراث العربی، ۱۴۰۵ق.
۱۲. قنبریان، علی، شیطان در قرآن، بی جا: صبا، ۱۳۹۴.
۱۳. کلینی، محمد بن یعقوب، الکافی، چاپ اول، قم: دارالحديث، ۱۳۸۷.
۱۴. مجلسی، محمدباقر، بحار الانوار، بیروت: موسسه الوفاء، ۱۴۰۳ق.
۱۵. مکارم شیرازی، ناصر، تفسیر نمونه، بی جا: مدرسه الامام علی ابن ابی طالب (علیه السلام)، ۱۳۸۰.
۱۶. مکرم، ابوالفضل، لسان العرب، چاپ سوم، بیروت: دار صادر، ۱۴۱۴ق.
۱۷. موسوی خمینی، روح الله، اربعین حدیث، چاپ پنجاه و هفتم، تهران: موسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (رحمه الله علیه)، ۱۳۹۲.

مقالات

۱. برهانیان، عبدالحسین، «راه‌های نفوذ شیطان در انسان از دیدگاه قرآن، مربیان تابستان»، شماره ۲۴، ۱۳۸۶.

سایت اینترنتی

۱. سخنرانی آیت‌الله مصباح یزدی در دفتر مقام معظم رهبری، تاریخ انتشار ۱۳۹۷/۳/۲۱، تاریخ بازبینی ۱۴۰۳/۷/۲۹، پایگاه اطلاع‌رسانی حضرت آیت‌الله مصباح یزدی.
۲. خبرگزاری جمهوری اسلامی، شیطان از چه راهی بر انسان نفوذ دارد؟، تاریخ انتشار ۱۳ فروردین ۱۴۰۰، تاریخ بازبینی، ۲۹ مهر ۱۴۰۳، سایت ima.ir.

keyhan.ir